



تینا جلالی

ابراهیم ابراهیمیان، یکی از کارگردانان خوش‌ذوق و جوان سینماست که با انگیزه و تلاش فراوان مسیر کارگردانی را دنبال می‌کند و معتقد است روزی فرامی‌رسد که موج سینمای امثال کارگردانی مانند خودش شروع می‌شود و فیلم‌سازان را به شیوه کارگردانی او نسبت می‌دهند.... ابراهیمیان با ساخت فیلم اولش «ارسال آگهی...» در هفدهمین جشن خانه سینما کاندیدای بهترین کارگردان فیلم اول شد. اگرچه فیلم «ارسال آگهی...» گیشه موفقی نداشت، اما فیلمی استوار بر اصول کارگردانی بود. این کارگردان در دومین فیلمش به سراغ موضوعی اجتماعی رفت و این‌بار برای جبران گیشه ناموفق فیلم اولش، از بازیگران سوپرستار و گیشه استفاده کرد. هرچند خودش معتقد است استفاده از این بازیگران به دلیل جنس بازی‌شان بوده، ولی کیست نداند نام بازیگر بر سردر سینما، خود به‌تنهایی در جذب مخاطب مؤثر است. «عادت نمی‌کنیم» این روزها در سینماهای تهران و شهرستان‌ها نمایش داده می‌شود. بدون درنظرگرفتن چگونگی کیفیت، فیلم توانسته با مخاطبان ارتباط خوبی برقرار کند. با ابراهیمیان، کارگردان این فیلم، به گفت‌وگو نشستیم و درباره فیلمش با او گفت‌وگو کردیم:

❧ به نظر می‌رسد نسبت به فیلم «ارسال آگهی...»، فیلم «عادت نمی‌کنیم» از زمان اکران مناسب‌تری برخوردار است.

قطعاً همین‌طور است. هم زمان اکران مناسبی به این فیلم تعلق گرفت و هم اینکه امکان اکران در نوروز هم برای ما فراهم بود اما ترجیح دادیم از زمان کم‌ترافیک‌تری برای «عادت نمی‌کنیم» استفاده کنیم.

❧ البته شرایط اکران این دو فیلم هم با هم متفاوت است.

فیلم «ارسال آگهی...» را برای مخاطب عام نساختم. آن فیلم برای من کاملاً شخصی و تجربی بود که هیچ نگاه گیشه‌ای به آن نداشتم، درعین‌حال قصه به شدت تلخ آن هم می‌توانست مزیدبر علت باشد.

❧ با وجود اینکه المان‌های گیشه در فیلم وجود داشت؛ مثل برخورداری فیلم از بازیگر چهره.

بله. فیلم بازیگر داشت. هنوز به این نقطه نرسیدم که از نابایگر در فیلم‌هایم استفاده کنم. کار با بازیگر در سینما به‌شدت برایم اهمیت دارد. معتقدم باید از همه عوامل مؤثر برای ساخت یک فیلم استفاده کرد. شاید کسی که از نابایگر در فیلم‌هایش استفاده می‌کند، خیلی به گیشه فیلم فکر نمی‌کند و طبیعتاً چرخه اقتصادی ویژه‌ای برای این‌دست فیلم‌ها نمی‌توان متصور شد.

❧ در فیلم «عادت نمی‌کنیم» به چرخه اقتصادی فیلم فکرمی‌کردید.

من در عادت نمی‌کنیم بیش از آنکه به چرخه اقتصادی فکر کنم، به مخاطب می‌انديشيدم. می‌دانستم قرار است با چه عواملی اعم از مقابل دوربین و پشت دوربین کار کنم. زمانی هم که فیلم ساخته شد به اکران خوب فیلم فکر می‌کردم و حدس می‌زدم زمان نمایش خوبی به فیلم تعلق بگیرد. معتقدم فیلم خوب گلیم خود را هرچند سخت، از آب بیرون می‌کشد. البته وقتی با آقای شایسته وارد مذاکره شدید ایشان دو اکران مدنظرشان این است که دوم عید و دوم عید فطر که درنهایت با مشورت جمعی به این نتیجه رسیدیم درحال‌حاضر فیلم را نمایش دهیم. **❧ ارتباط مخاطب با فیلم تا به‌حال چطور بوده؟ هفته گذشته در سینما پردیس «کورش» فیلم را در سالی که از مخاطب برپود، دیدید.**

در چهار روز ابتدایی ما ۲۵۰ میلیون فروش کردیم. در چهار روز ابتدایی سانس‌های فوق‌العاده زیادی داشتیم. به نظرمد دلپیش هم این است که فیلم‌های گذشته فروش خود را داشتند و مخاطب منتظر فیلمی جدید در اکران بود. خودم پیش‌بینی این میزان استقبال را نداشت‌م و فکر می‌کردم فیلم در هفته دوم و سوم به فروش خوبی دست پیدا کند. چون خاصیت فیلم‌های اجتماعی این است که دهان‌به‌دهان به مخاطب معرفی می‌شود. اما به‌هرجهت، فیلم استارت خیلی خوبی زد.

❧ حضور بازیگران چهره هم قطعاً در این گیشه مؤثر است.

ایمن اسمر بدیهی است. حضور بازیگرانی مانند هدیه تهرانی، ساره بیات، محمدرضا فروتن، حمیدرضا آذرنگ و پانته‌آ پناهی‌ها در جذب مخاطب مؤثر است. امیدوارم مردم با قصه هم ارتباط برقرار کنند و فیلم را دوست داشته باشند.

❧ اساساً انتخاب هدیه تهرانی برای حضور در فیلمتان دلیل گیشه‌داشت؟

به هیچ‌عنوان. از لحظه اول می‌دانستم قرار است به هدیه تهرانی پیشنهاد کار دهم. روزی که فیلم‌نامه سروشکل پیدا کرد، هدیه تهرانی و ساره بیات اولین گزینه من بودند. محمدرضا فروتن هم بعد به ذهنم رسید. به آدم‌های کست فیلم از ابتدا فکر می‌کردم. درواقع فیلم‌نامه به من می‌گفت چه کسی را انتخاب کنیم. زمان نگارش



گفت‌وگو با ابراهیم ابراهیمیان، کارگردان فیلم «عادت نمی‌کنیم»

شبیه کوبریک فیلم ساختم

فیلم‌نامه از همان ابتدا یک‌سری بازیگران در من ته‌نشین می‌شدند و از من جدا نمی‌شدند. وقتی بازیگری در ذهن من جا می‌گیرد و گذر زمان باعث نمی‌شود از ذهنم خارج شود، با خود می‌گویم این همان بازیگری است که باید نقش را بازی کند.

❧ ممکن بود هدیه تهرانی آن مقطع ایران نباشد.

ممکن بود. اما گویا خوش‌شانسی آوردم که ایشان ایران بودند و بازی در این فیلم را پذیرفتند. هدیه تهرانی برای من جایگه خاصی در بازیگری دارد.

❧ از چه نظر؟

من به همکاری با ایشان افتخار می‌کنم و سوای از این، هدیه تهرانی از بازیگران محبوب من است که جنس بازی‌اش را دوست دارم. او جهانی به نقش اضافه می‌کند که ستودنی است. انرژی عجیبی برای خلق کاراکتر می‌گذارد. یکی از شیرین‌ترین تجربه‌های کاری من، کار با هدیه تهرانی و بازیگران خوب این فیلم بود.

❧ زمان برگزاری جشنواره با هم صحبتی داشتیم و شما گفته بودید به دیده‌شدن این فیلم در جشنواره بسیار امیدوارم. اما درنهایت این‌گونه نشد.

بله و به‌شدت از این قضیه دلخور بودم. من سه نفر را مستحق دریافت جایزه می‌دانستم؛ سارا سلطانی، نویسنده این فیلم، که معتقدم فیلم‌نامه درستی نگارش کرده بود و از هر سمتی که به فیلم‌نامه نگاه می‌کنم، می‌بینم قواعد و اصول نگارش در آن رعایت شده است. بازی خوب حمیدرضا آذرنگ و به‌ویژه بازی ساره بیات. نیتان نیتان، سارا بیات دیگر باید چه می‌کرد تا بازی‌اش دیده شود. البته کاندیداشدن طی‌کردن بخشی از مسیر است، اما اگر خودم جایزه می‌گرفتم، این‌قدر خوشحال نمی‌شدم که ساره بیات را مستحق آن می‌دانستم.

❧ از نظر کارگردانی چطور؟

تاکید می‌کنم در فیلم «ارسال

آگهی...» کارگردانی کردم. کارگردانی آن فیلم اتفاقاً بیشتر به چشم آمد و کاندیدای جشن خانه سینما هم شدم. اما در «عادت نمی‌کنیم» مقید به فیلم‌نامه بودم و فیلم‌نامه را روایت کردم. بنابراین این بود که فیلم‌نامه روایت شد و کارگردانی به چشم نیاید. می‌دانستم در چنین شرایطی کارگردانی دیده نمی‌شود، چون فیلم‌نامه ساده روایت می‌شود و اتفاقاً این سخت‌ترین نوع کارگردانی است. اینکه نگذاری مخاطب بفهمد چه کسی جای دوربین را تعیین و کار را هدایت کرده، بسیار سخت است. البته فقط درباره فیلم خودم این نظر را ندارم برخی فیلم‌های دیگر هم بودند که در جشنواره دیده نشدند.

❧ به‌عنوان نمونه؟

فیلم «ازدها وارد نمی‌شود» چرا دیده نشد؟ مگر می‌شود فیلم‌برداری هومن بهمنش را روایت ساختارشکن آن فیلم را ندید. بازی‌های خوب فیلم «بارکد» چرا دیده نشد؟

❧ از فیلم‌نامه صحبت کنیم. با سارا سلطانی (همسران) همکاری چگونه است؟ انکار مسیر کاری خوب پیش می‌رود و به نقاط اشتراک خوبی دست پیدا کردید.

اتفاقا من و سارا با هم وجه اشتراک نداریم و کاملاً مقابل هم قرار داریم. هم در الگوی نوشتاری و هم در نوع علاقه به قصه، متفاوت هستیم. سارا به‌شدت به نوع قصه‌های دیگر و نوع دیگری از روایت فیلم علاقه‌مند است که من از آن دورم. من این جنس سینما را دوست دارم. دغدغه موضوعات اجتماعی دارم. البته معتقدم این تضاد بین ما باعث می‌شود فرسایشی عمل نکنیم. همدیگر را به چالش می‌کشیم و این چراهای موجود بینمان، ما را به پختگی

سینمای ایران

فیلم The Eyes Wide Shut کوبریک را اگر من ساخته بودم، برای ۲۰ سال دیگر من کافی بود همین‌طور فیلم‌سازانی مانند کیلوفسکی و رومن پولانسکی. اتفاقاً احساس می‌کنم فیلم «عادت نمی‌کنیم» در نوع روایت، شبیه سبک این فیلم‌سازان است. این فیلم یر است از کارت‌پستال. «عادت نمی‌کنیم» پر است از تک‌شات‌هایی که اجزا در آن شاعرانه روایت می‌شود. در این فیلم قاب‌بندی بسیار اهمیت دارد و به همه قاب‌ها لحظه‌به‌لحظه فکر شده است. حتی صحنه‌های چرک و خشن هم با قاب زیبا به مخاطب ارائه می‌شود. چگونگی روایت بصری است که سینما را برایم شکل می‌دهد. قطعاً بداندین روزی فرامی‌رسد که همه بگویند سبک فیلم‌سازی ابراهیم ابراهیمیان شبیه خودش است.

❧ البته در ابتدای مسیر قرار دارید...

تا اثبات خودم راه زیادی دارم. متأسفانه این همه‌درد سینمای ایران وجود دارد که در ابتدای راه، تو را به سمت دیگری پرتاب کنند یا تو را شبیه کسی جلوه دهند. زمانی هم موج فیلم‌های ما فرامی‌رسد و دیگران را به ما نسبت می‌دهند. فیلم‌ساز هرچه پیش‌می‌رود باید بیش از قبل از هوشش استفاده کند. این دومین تجربه کارگردانی من است و در حال تجربه هستم. به کسی حق نمی‌دهم مرا به اندازه فیلم قضاوت کند و قطعاً به سینمای مطلوبم در آینده خواهم رسید.

❧ یکی از نکات فیلم «عادت نمی‌کنیم» این است که فیلم از سکانس آغازین، با بحران شروع می‌شود... برخلاف بعضی فیلم‌ها که فصل‌های ابتدایی فیلم آغازی خوش و خرم دارند... تکلیفش با مخاطب مشخص است.

بله، دغدغه من روابط بین آدم‌ها و تکنه‌هایی است که آنها در زندگی با آن روبه‌رو می‌شوند. می‌توانستم از شیوه کلاسیک استفاده کنم که فیلم با آغازی خوش شروع می‌شود و بعد ماجراها و بحران‌ها به وجود می‌آید. اما این فیلم‌نامه، شکل روایی مدرن دارد که به نوع چیدمان قصه برمی‌گردد. آنچه درام «عادت نمی‌کنیم» را از سایر درام‌های اجتماعی منفک می‌کند، نوع روایت پاندولی آن است. درام‌های دیگر به واسطه بحران، مخاطب را به صورت گرداب به درون داستان می‌کشانند. اما در این فیلم، ما مخاطب را به صورت رفت‌وبرگشتی در موقعیت‌های گوناگون قرار می‌دهیم.

❧ روابط بین کاراکترها در این فیلم به‌شدت سرد است....

اتفاقاً تأکید بر این سردی دارم. زوج اول روابط بیرونی سردی دارند و زوج دوم روابط درونی، بیش‌از ارتباط سردی حاکم است. قطعاً این‌دو زوج را نباید به همه زوج‌های جامعه تعمیم داد و منظورم این نبود اما می‌خواستم با نشان‌دادن این روابط سرد هشداری را نوع ازدواج بین جوان‌ها دهم که آدم‌ها با شناخت با هم ازدواج نمی‌کنند. چنین ارتباط سردی بین زوج‌های جوان ما وجود دارد؛ افرادی که از سر شناخت با هم ازدواج نمی‌کنند و بعد با طلاق مواجه می‌شوند. طلاق معضل جدی جامعه ماست که تبعات و پیامدهای به‌شدت تلخی دارد. طلاق بحران عجیب روحی به وجود می‌آورد و نتیجه‌اش افسردگی و ازهم‌گسیختگی است که گریبان آدم‌ها را می‌گیرد و ما به‌سادگی از کنار آنها می‌گذریم.

❧ یکی از نکات مثبت فیلم، بازی‌های یک‌دست بازیگران فیلم است. دورخوانی و تمرین هم داشتید؟ خیلی به دورخوانی اعتقادی ندارم اما قبل از شروع فیلم‌برداری با بازیگران تمرین زیادی می‌کنیم. راجع‌به کاراکترها با بازیگران زیاد بحث می‌کنم تا به نقطه اشتراک برسیم.

❧ بازیگران سینما و تئاتر در کنار هم در این فیلم قرار گرفتند.

یکی از سختی‌های ما در این فیلم این بود که بازیگران سینمایی مثل محمدرضا فروتن، هدیه تهرانی و ساره بیات و بازیگران تئاتری مانند حمید آذرنگ، پانته‌آ پناهی‌ها و... را در کنار هم قرار دادیم که هر کدام با یک ویژگی به نقش می‌رسند. این هماهنگی کار سختی بود، اما همه تلاش کردیم در این مسیر بین بازی‌ها یکدستی ایجاد شود و خدا را شکر این امر محقق شد.

❧ کمسی از پایان‌بندی فیلم هم صحبت کنیم. فیلم پایانی غیرمتعارف دارد.

از همان زمان نگارش به این پایان فکر می‌کردیم. همان فیلم‌نامه نگارش‌شده را به صورت کامل بدون هیچ حذف و اضافه‌ای روایت کردیم. انکار بنای فیلم را با فیلم‌نامه مهندسی کردیم و بعد در زمان فیلم‌برداری اجزا را به هم چسباندیم. به‌هرجهت، تجربه جدید و دلچسپی برایم بود. خود همراه می‌کند. نوید محمدرزاده هم تبدیل به یک برگ برنده شد؛ در هر اثری که حضور دارد نه‌تنها تماشاگر را از دیدن یک بازی فوق‌العاده خرابار می‌کند بلکه نوید دیدن فیلم ارزشمندنی را هم به نام خود به همراه می‌آورد. در آخر استفاده زندانه و هوشمندانه از عبارت «داستان این فیلم کاملاً تخیلی ست و هرگونه شباهت احتمالی این فیلم با افراد حقیقی، تصادفی است» جالب توجه است

سعی می‌کنم برای بازیگران استقلال بیاورم. با روابط دوستانه و رفقایته به استقلال درباره چرایی کاراکترها می‌رسیم. بسیار اهل بحث و حرف‌زدن هستم. شاید از زیاد صحبت‌کردن من، بازیگران به آنچه می‌خواهم، رضایت می‌دهند (می‌خندد) و اینکه روابط دوستانه با بازیگران دارم. ساره بیات می‌گوید تو با خنده‌هایت هر آنچه را می‌خواهی، انجام می‌دهی. همکاری با آنها بسیار دلچسب بود.



نگاه

درباره فیلم «خشم و هیاهو»

در ستایش شرافت

معصومه بیات: فیلم «خشم و هیاهو» می‌تواند «شرافت» را به تصویر بکشد و به تماشاگر گوشزد کند. چون می‌تواند جای خالی‌اش را را به‌دقت ترسیم کند و نشان دهد. می‌تواند روشن کند که دقیقاً در پشت کدام بیج است که آدم‌ها شرافت، صداقت و انسانیت‌شان را جا می‌گذارند. در ترسیم تصویری از زندگی فردی که دیگر توانایی‌اش سبب شهرتش نیست، بلکه شهرتش سبب شهرت شده و همین، دست او را باز می‌کند تا او اقتداری که به چنگ آورده در تنها راهی که می‌شناسد سود برد. در دنیای ستاره‌ها، انسان‌ها دیگر انسان نیستند. ستاره هم اگر هستند، نورشان قدری نیست که جایی را روشن کند؛ تنها خودشان و محیط کوچک پیرامون‌شان را روشن می‌کند و بعد همان نور چشم‌شان را می‌زند و یک جو‌ری بی‌آنکه خودشان بداندن کاری می‌کنند تا دوباره برگردند به سایه خودشان. جایی‌که موفقیت، آدم‌ها را توانا نمی‌کند تا از توانایی‌شان برای بزرگ‌شدن‌شان کمک بگیرند، بلکه آنها یارای دیدن بزرگی خودشان را ندارند، هیچ جو‌ری با این مسئله کنار نمی‌آیند؛ به محض اینکه بزرگ می‌شوند دیگر طاقت دیدن خود را در هیات یک انسان بزرگ، ندارند. چون آدم‌های کوچکی هستند و بیشتر با کوچکی‌شان، انس و الفت دارند؛ بنابراین در اولین فرصت، سوزنی به خود می‌زنند که از تمام هوایی که برشان داشته بود، خالی شوند و رسوایی‌شان عالم‌و‌آدم را بر کند. ستاره‌های اندکی را در دورست می‌توان یافت که به ستاره‌بودن برازنده باشند و عادت داشته باشند. «خشم و هیاهو» با لحن سرد و بی‌اعتنا می‌تواند بیشترین تأثیر را بر تماشاگر داشته باشد و برای این تأثیر و تکان‌دادن تماشاگر هم نیازمند به هیچ خشم و هیاهویی نیست. به قول کرستیان بوین «راه درست نویسندگی در رسیدن به لحنی سرد و سوزنده است. نویسندگی خشن است چراکه شش خشن است، چراکه اندیشه خشن است». برای نمونه جایی‌که پسرپچه برای مادر فرورفته در اغماشش، ترانه (به‌خودی‌خود بی‌ارزش) «تکون‌بده» را می‌خواند و از این صحنه ارزشمندترین سکانس سال‌های اخیر سینمای ایران را می‌فریند؛ این سکانس از یاد نخواهد رفت. هومن سیدی با همان ظرافتی که در همه‌جای فیلم حاکم است توانسته با استفاده بجا از چند کلمه، از روی خط قرمزها چنان به‌نرمی و حرمت گذر کند که می‌تواند بر او خرده بگیرد؛ حتی کسی هم به او کارگر نبوده و برای نخستین‌بار است که چنان واقعیات عریانی به تماشا گذاشته می‌شود. تمام فیلم‌نامه از این ظرافت و دقت کم‌ظنیر بهره‌مند است. فیلم‌نامه در هیچ لحظه‌ای به حال خود رها نمی‌شود و ریویات آنکه سرنوشت قهرمان قصه تا به آخر، بی گرفته می‌شود و مثل شنیدن یک داستان کلاسیک تمام‌عیار مخاطب را با خود همراه می‌کند. نوید محمدرزاده هم تبدیل به یک برگ برنده شد؛ در هر اثری که حضور دارد نه‌تنها تماشاگر را از دیدن یک بازی فوق‌العاده خرابار می‌کند بلکه نوید دیدن فیلم ارزشمندنی را هم به نام خود به همراه می‌آورد. در آخر استفاده زندانه و هوشمندانه از عبارت «داستان این فیلم کاملاً تخیلی ست و هرگونه شباهت احتمالی این فیلم با افراد حقیقی، تصادفی است» جالب توجه است

با هم‌زهرنر اینکه تمام واژگان آن، مایمن‌هاس‌ت که در دهه‌های گذشته در آغاز رمان‌های ایرانی دیده بودیم؛ این عبارت، هم از نویسنده اثر در آن ارتباط، سلب مسئولیت می‌کرد و هم اگر نویسنده خواهان به‌دست‌دادن سرنخی برای جلب توجه مخاطب به مابازای داستان در زندگی واقعی بود، کنجکاوی مخاطب را تحریک می‌کرد تا بداند به بجای واقعیت باید تقب بزند و اتفاقا نکند فکر کند که داستان واقعا تخیلی است.

ادامه در صفحه ۱۲



تینا جلالی

سینما؛ بیشترین میزان نظارت دولتی و صنفی

مجوز پشت مجوز

طبق گفته برخی حقوق‌دانان، «سینما» در ایران در قیاس با سایر هنرها، رکورد مراحل مختلف اخذ مجوز را زده است. به عبارت دقیق‌تر میزان نظارت مستقیم دولتی و صنفی بر فرایند تولید فیلم تا عرضه اثر، بیش از سایر کلاهای فرهنگی مثل موسیقی و کتاب و... است. در نهایت فیلم آماده‌شده، بعد از گذر سلامت از نگاه تیزبین کارشناسان و مسئولان خبره در امر ممیزی، موفق می‌شود به نمایش عمومی درآید، اما همین هم پایان کار نیست؛ بنا بر تجربیات عینی، نمایش یک فیلم در سالن‌های سینما هم چندان پشتوانه محکمی برای راحت جولان‌دادن این کالای فرهنگی محسوب نمی‌شود؛ چراکه ناگهان طبق قانونی نانوشته یا تفسیر دگرگونه از قانون، از سوی شخصیت حقیقی و حقوقی، به‌راحتی در مرحله اکران عمومی و حتی در مرحله ورود به عرصه نمایش خانگی دچار بحران می‌شود و باید این بار فرایندهای دیگری را برای ادامه حیات فرهنگی خود پیگیری کند؛ درحالی‌که به‌طور مثال در کتاب بعد از بازیابی و صدور مجوز انتشار، کسی دیگر به فرایندهای بعد از آن کاری ندارد



فیلم بارکد

با در حیطه موسیقی زمانی که مجوز برای آلبومی صادر می‌شود، کارهای بعدی در اختیار خود صاحب اثر است. اما جدیدترین نوع اعمال قانون در دنیای سینما این روزها محل توجه مسئولان واقع شده است. بعد از اصلاحیه‌خوردن به موسیقی باکلام تیتراژ فیلم «بارکد»، به خوانندگی یاس، بعضی دل‌ایسان معترض شدند که چرا موسیقی برخی از فیلم‌ها همچنان فاقد مجوزند و خواستار اعلان این ماده قانونی شدند.

شکل بیرونی این نکته، اعتراض خبرنگاری در جلسه مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، به دکتر علی جنتی بود که با اشاره مستقیم به زیرزمینی‌بودن خواننده تیتراژ فیلم تحسین‌شده «فروشنده»، خواستار ممیزی آن فیلم شد. وزیر هم پاسخ داد: «فیلم فروشنده مشکل محتوایی ندارد. اما به موردی که شما به آن اشاره کردید، توجه نکردم». اخیراً هم حبیب ایل‌بیگی در گفت‌وگوی با «ایلنا» بر مجوزاربودن موسیقی‌های باکلام در فیلم‌ها تأکید کرد و اخذ مجوز را به دفتر موسیقی معاونت هنری ارجاع داد.

معاون ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی، درباره لزوم دریافت مجوز جداگانه برای ترانه‌ها و قطعاتی که در عنوان بندی یا میانه فیلم‌های سینمایی پخش می‌شود، گفت: «فیلم سینمایی و قطعه ترانه یا آلبوم موسیقی دو اثر جداگانه هستند».

او ادامه داد: «امروز یک آلبوم موسیقی از یک خواننده منتشر می‌شود و بعد این آلبوم تبدیل به آلبومی تصویری و کلیپی می‌شود یا کنسرت آن در شبکه نمایش خانگی به‌صورت تصویری توزیع می‌شود. زمانی که این آلبوم در قالب آلبوم موسیقی عرضه می‌شود باید از دفتر موسیقی وزارت ارشاد مجوز بگیرد و زمانی که قرار است به شکل تصویری با تماهک ارائه شود از سازمان سینمایی مجوز می‌گیرد». ایل‌بیگی گفت: «زمانی که فیلم‌سازی برای موسیقی فیلم خود از یک قطعه آهنگ یا ترانه‌ای استفاده می‌کند که جداگانه ساخته شده و خواننده و ترانه‌سرای آن هم مشخص است؛ طبق رویه موجود باید برای این اثر مجوزهای لازم اخذ شود». معاون ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی تأکید کرد: «فیلم‌ساز باید برای استفاده از اثری که مجوز دارد، از صاحب اثر و سازندگان آن اجازه بگیرد و اگر اثر مجوز ندارد، باید ابتدا از دفتر موسیقی مجوز لازم را بگیرد سپس می‌تواند از آن اثر در فیلم خود استفاده



فیلم ستوری

کند». این مدیر دولتی در پایان خاطرنشان کرد: «این روند بعد از نمایش فیلم نیز وجود دارد و اگر موسیقی متن یک فیلم بخواهد بعد از نمایش به‌صورت جداگانه منتشر و عرضه شود، باید از دفتر موسیقی وزارت ارشاد مجوز جداگانه بگیرد.

فرزاد طالبی، مدیر دفتر موسیقی معاونت هنری، در گفت‌وگوی اختصاصی با «شرق»، اصل دریافت مجوز را تأیید و عنوان کرد: «قانون اخذ مجوز برای موسیقی باکلام در فیلم‌ها، متعلق به الان نیست و قبلاً هم وجود داشته است. ما هم اخیراً با سازمان سینمایی صحبت کردیم و قرار شده در این موارد همکاری‌های لازم را داشته باشیم». البته اصلاحیه‌خوردن به موسیقی فیلم‌های ایرانی سابقه دارد و فقط به زمان حال مربوط نمی‌شود. نمونه عینی آن فیلم «ستوری» به کارگردانی «داریوش مهرجویی بود که به دلیل حضور محسن چاووشی که درآن زمان مجوز نداشت، همان مسئولان وزارت ارشاد که مجوز داده بودند، اکران فیلم را متوقف کردند. اما نسخه غیرقانونی آن از بازار سر درآورد. مهرجویی در مصاحبه‌ای عنوان کرد که نسخه‌ای که غیرقانونی منتشر شده، با نسخه نهایی که آماده پخش بود متفاوت است و خرید آن «شرعاً حرام» است. سازندگان فیلم شکایت کردند. در انتها دیوان عدالت اداری حکم به نفع فیلم صادر کرد و درخواست لغو ممنوعیت اکران فیلم و تصدیق خسارات وارده، اجازه اکران‌شدن یا نشدن را حق وزارت ارشاد دانست؛ به‌این‌ترتیب، امکان اکران این فیلم با توجه به مخالفت وزارت ارشاد منتفی شد. پس از کشمکش‌های فراوان، فرامرز فرازمن، تهیه‌کننده فیلم در مرداد ۱۳۸۹ به دلیل سکنه قبلی ناهنگام درگذشت. مهرجویی علت مرگ آن را «حق‌کردن برای ماجراجای ستوری» اعلام کرد.